



صادق سبهبانی
 • کارشناسی ارشد اقتصاد
 • پژوهشگر مرکز مطالعات آمریکا

ضرورت اخراج اقتصادی آمریکا از منطقه غرب آسیا

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، موجب شد تا نه تنها سوءاستفاده اقتصادی از ایران، سخت یا غیرممکن شود، بلکه مانعی در مسیر چپاول و غارت ایران ایجاد شود. همچنین، صدور انقلاب اسلامی به کشورهای منطقه و ایجاد نهضت بیداری اسلامی و تشکیل جبهه مقاومت، مانع بزرگ دیگری در برابر مستکبران قرار داده است. بر همین اساس، تقابل و چالش اقتصادی میان ایران و آمریکا، ناظر به داخل کشور و همچنین اطراف آن (کشورهای منطقه)، تاکنون استمرار یافته است و تلاش کرده‌اند، اقتصاد منطقه را به طرق مختلف مانند جنگ، تحریم و نفوذ (به کارگماشتن جاسوس در یک سازمان یا نهاد اقتصادی، تغییر سبک زندگی اقتصادی مردم منطقه، ترویج مصرف‌گرایی و...)، تحت سلطه و مدیریت خود نگاه دارند.

اقتصاد ایران و منطقه غرب آسیا، از یک سو در معرض تهاجم دشمن و از سوی دیگر، مورد تغافل کشورهای منطقه قرار گرفته است. دیپلماسی اقتصادی منطقه‌ای، می‌تواند علاوه بر تأمین منافع و نیاز کشورهای منطقه، موجب کاهش وابستگی و آسیب‌پذیری از اقتصاد جهانی و دشمن شود. اقتصاد ایران از دیرباز تاکنون، به دلایل مختلف مانند موقعیت سوق‌الجیشی، منابع نفت و گاز، معادن ارزشمند و... دارای جذابیت‌های مختلف بوده و طبق گزارش سال ۲۰۲۱ صندوق بین‌المللی پول، بیشترین میزان تولید ناخالص داخلی (GDP) در منطقه را داشته است^۱. علاوه بر ایران، کشورهای همسایه ایران و به طور خاص، منطقه غرب آسیا از منابع و ظرفیت اقتصادی خوبی برخوردار هستند و همین امر، سبب شده است تا صرف‌نظر از اهمیت وضعیت سیاسی منطقه، قدرت‌های سلطه‌گر جهانی همچون آمریکا، تحریک و ترغیب شوند و به دنبال استعمار و استثمار آن باشند.

۱. <http://fna.ir/5zevt> خبرگزاری فارس نیوز ۱.

غرب با استفاده از امپراتوری رسانه‌ای خود، تلاش کرده است تا خود را به عنوان منتهای آمال و آرزوی بشر در جهان معرفی کند و مردم، به خصوص کشورهای منطقه را متقاعد سازد که امکان و توان دستیابی به هر کالا و خدمت مورد آرزوی بشر را به دلیل برخورداری از انواع تجهیزات، امکانات، فناوری و ... دارد. به عبارت دیگر، غرب از یک طرف تلاش دارد تا اقتصاد خود را از طریق انواع تطمیع‌ها و وسوسه‌ها، همچون بهشت اقتصادی، تزئین کند و نشان دهد و از طرف دیگر، وضعیت اقتصادی کشورهای منطقه را از طریق انواع تهدیدات و محرومیت‌های مختلف، مانند یک جهنم اقتصادی، به تصویر بکشد و ترسیم نماید.

مقام معظم رهبری، به دنبال شهادت شهید سلیمانی، اخراج آمریکا از منطقه را به عنوان یکی از راهبردهای انتقام خون این شهید عزیز و مؤثر در منطقه مطرح کردند. ایشان با اشاره به اتفاقات

بعد از شهادت شهید سلیمانی، فرمودند: «البته آنچه در شهادت او اتفاق افتاد، اولین سیلی سختی بود که به آمریکا زده شد و تا آن زمان، مهم‌ترین سیلی به آمریکا، همین حرکت مردمی عظیمی بود که انجام گرفت؛ بعد هم که برادرها یک سیلی ای زدند. البته سیلی سخت‌تر، عبارت است از غلبه نرم‌افزاری بر هیمنه پوچ استکبار؛ این، همان سیلی سختی است که باید به آمریکا زده شود. بایستی جوانان انقلابی ما و نخبگان مؤمن ما، [با] همت، این هیمنه استکباری را بشکنند و این سیلی سخت را به آمریکا بزنند که این، یک مورد است و دیگری نیز اخراج آمریکا از منطقه است که این امر، همت ملت‌ها و سیاست‌های مقاومت را می‌طلبد که بایستی این کار را انجام بدهند؛ این، همان سیلی سخت است»^۱.

طبیعتاً یکی از ابعاد مهم این اخراج، بعد اقتصادی آن است و بدون تردید، پیشبرد و تحقق

اخراج اقتصادی آمریکا از منطقه، باید با همکاری و هم‌افزایی کشورهای منطقه صورت پذیرد. یکی از الزامات مهم تحقق چنین هدفی، این است که ایران، نقش بازیگر فعال و محوری در منطقه پیدا کند و دیپلماسی اقتصادی منطقه‌ای خود را فعال نماید و گسترش دهد. به عبارت دیگر، رابطه اخراج اقتصادی آمریکا از منطقه و فعال شدن دیپلماسی اقتصادی منطقه‌ای، به صورت عکس است و تشدید هر یک، موجب تحدید دیگری خواهد شد. اگر معتقد به ترتب رتبی استقلال سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بر یکدیگر باشیم، طبیعتاً هر چقدر استقلال سیاسی کشورهای منطقه از آمریکا و غرب کاهش یابد، نوبت و زمینه استقلال فرهنگی و اقتصادی نیز فراهم خواهد شد. به دنبال تحولات سیاسی منطقه و جهان در چند سال اخیر، حضور فیزیکی آمریکا در منطقه، به سمت کاهش و کم‌رنگ شدن پیش می‌رود؛ بنابراین، هوشمندی در

۱. بیانات در دیدار دست‌اندرکاران مراسم سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی و خانواده شهید سلیمانی ۱۳۹۹/۹/۲۶

استفاده از این فرصت، می‌تواند زمینه‌ساز و نویددهنده افزایش دیپلماسی منطقه‌ای و اخراج آمریکا از منطقه در ابعاد دیگر فرهنگی، اقتصادی و... باشد. خوشبختانه دولت سیزدهم، در شعار و در عمل به دنبال فعال کردن و گسترش دیپلماسی اقتصادی با کشورهای همسایه و منطقه است و در همین راستا، تاکنون سفری با عقد قرارداد با کشورهای قطر، عمان، تاجیکستان و... انجام شده و همچنین، گفتگو و رایزنی با کشورهای روسیه، چین و... صورت گرفته است. پیگیری و افزایش دیپلماسی اقتصادی ایران با منطقه و جهان، می‌تواند ضمن فراهم کردن زمینه اخراج آمریکا از منطقه، مسائل و مشکلات اقتصاد ایران را نیز برطرف کند و ثمراتی هم در زمینه افزایش تولید، ایجاد اشتغال و کاهش بیکاری، حفظ ارزش پول ملی و... به ارمغان آورد. براساس مطالب فوق، ضرورت اخراج اقتصادی آمریکا از منطقه بر اساس دورویکرد ایجابی و سلبی،

قابل بحث و اثبات است؛ از بعد سلبی، تقابل تمدنی آمریکا، ایران و همچنین، رویارویی استکبار با جریان مقاومت منطقه، منجر به یک جنگ تمام‌عیار اقتصادی علیه ایران و برخی دیگر از کشورهای منطقه شده که اهداف و منافع اقتصادی آن‌ها را مورد هدف قرار داده است تا در نهایت، تسلیم شوند و خواسته غرب را بپذیرند. در چنین وضعیتی، رهایی از وابستگی و به‌گروگان رفتن اقتصاد، نیازمند اخراج دشمن از منطقه است. اخراج اقتصادی آمریکا از جنبه ایجابی نیز ضرورت دارد، زیرا ایران با هشت کشور پیرامون خود، مرزهای زمینی مشترک دارد و با هفت کشور دیگر نیز به واسطه مرزهای دریایی، همسایه محسوب می‌شود، دومین کشور جهان از نظر تعداد همسایه‌ها است و در مجموع، حدود ۹ درصد از جمعیت جهان در این منطقه سکونت دارند. همچنین، اشتراکات فرهنگی، زبانی و گاهی دینی زیادی میان

ایران و برخی کشورهای منطقه مانند پاکستان، افغانستان و آذربایجان وجود دارد. جمعیت قابل توجه و اشتراکات میان کشورهای منطقه و همسایه ایران، ایجاب می‌کند تا زمینه افزایش تعاملات و تبادلات اقتصادی و همچنین، کسب سود و منفعت برای همه طرف‌های معامله و مبادله فراهم شود. دیپلماسی اقتصادی منطقه‌ای، می‌تواند تمام یا بخش مهمی از نیاز کشورهای منطقه را در خود منطقه برآورده و برطرف نماید و حضور بیگانگان در آنجا را بی‌معنا سازد. در سلسله مباحث پرونده اقتصادی این دو ماهنامه، تلاش خواهد شد تا ابعاد و زوایای مختلف «اخراج اقتصادی آمریکا از منطقه»، تبیین و تشریح شود تا ضمن احصاء مسائل و مشکلات دیپلماسی اقتصادی منطقه‌ای، راهبردها و راهکارهای متناسب با آن نیز ارائه و پیشنهاد گردد.